

رابطه بین کیفیت افشا و محافظه کاری در بورس اوراق بهادار تهران

نظام‌الدین رحیمیان*، مهدی ابراهیمی میمند**

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۶/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱۳

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین کیفیت افشا و محافظه کاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای سنجش متغیر کیفیت افشا، از امتیاز کلی داده شده توسط سازمان بورس و اوراق بهادار به شرکت‌ها در زمینه افشا و اطلاع‌رسانی استفاده شد و رابطه این امتیاز با مدیریت سود و محافظه کاری مشروط و نامشروط بررسی شد. در این پژوهش از داده‌های مربوط به ۱۰۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۸۹ و روش رگرسیون خطی استفاده شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بین کیفیت افشا و سطح اقلام تعهدی اختیاری رابطه منفی و معنادار، و بین کیفیت افشا و محافظه کاری مشروط رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که با افزایش کیفیت افشای اطلاعات، میزان محافظه کاری نامشروط کاهش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت افشا، محافظه کاری مشروط، محافظه کاری نامشروط، اقلام تعهدی اختیاری.

طبقه‌بندی موضوعی: G32, M41

* استادیار حسابداری، موسسه آموزش عالی رجا، قزوین، ایران. (Norahimian@yahoo.com)

** دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول) (Ebrahimimehdi10@gmail.com)

مقدمه

گزارش‌های مالی با کیفیت، ارزیابی رویدادهای گذشته و حال و پیش‌بینی آینده را ممکن می‌سازند و مبنای مناسبی برای تصمیم‌گیری فراهم می‌کنند. اطلاعات حسابداری و مالی باید مربوط، قابل اتکا و به‌موقع باشند تا منجر به تصمیمات صحیح شوند. اطلاعات مالی ارائه شده توسط شرکت می‌تواند دیدگاه بازار در مورد شرکت و شرایط مالی شرکت را تحت تاثیر قرار دهد؛ در نتیجه باید در ارائه این اطلاعات بیشینه تلاش و دقت صورت گیرد. صورت‌های مالی باید اطلاعاتی در رابطه با مفروضات اساسی و برآوردهای حسابداری ارائه دهند (کانور و دیگران، ۲۰۰۸).

از آنجایی که بین مدیران و سرمایه‌گذاران (مالکان) تضاد منافع وجود دارد، احتمالاً مدیران در دوره تصدی خود اقدام به بیش‌نمایی سودها و کم‌نمایی زیان‌ها می‌کنند. در صورتی که کیفیت افشا پایین باشد، ناقربینگی اطلاعاتی میان مدیران و سرمایه‌گذاران بالا می‌رود و در نتیجه امکان مدیریت سود فرصت‌طلبانه به‌وجود می‌آید. از سوی دیگر به‌دلیل وجود هزینه‌های نمایندگی و تحمل این هزینه‌ها توسط مدیران، آن‌ها مشوق‌هایی برای ارائه گزارش‌های مالی با کیفیت دارند. انتظار می‌رود شرکت‌های دارای کیفیت افشای بالا، اطلاعات قابل تاییدی در رابطه با عملکرد مالی، ضعف‌های مالی و سایر رویدادهای نامطلوب ارائه کنند. در این رابطه یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات، محافظه‌کاری است که سابقه‌ای طولانی در حسابداری دارد (باسو، ۱۹۹۷). در نوشته‌های مختلف محافظه‌کاری به دو نوع مشروط و نامشروط تقسیم شده است (ریان، ۲۰۰۶؛ ایاتریدز، ۲۰۱۱ و رودریگز، ۲۰۱۰). محافظه‌کاری نامشروط، شناسایی زیان‌ها به صورت مستقل از نوع اخبار اقتصادی است (مانند شناسایی مخارج تحقیق و توسعه به عنوان هزینه دوره) و محافظه‌کاری مشروط به شناسایی سریع‌تر زیان‌ها در مقایسه با سودها اشاره دارد. به این ترتیب محافظه‌کاری مشروط و محافظه‌کاری نامشروط محدود را می‌توان از ویژگی‌های کیفی اطلاعات دانست. بر این اساس پژوهش حاضر به بررسی رابطه کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی با مدیریت سود و محافظه‌کاری مشروط و نامشروط می‌پردازد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

گزارشگری مالی اثربخش، به تداوم افشای داوطلبانه، به‌روز و با کیفیت اشاره دارد (مارستون، ۱۹۹۶). منافع حاصل از شفافیت و ارائه گزارش‌های اثربخش، بهبود در عملکرد مالی شرکت، مدیریت ریسک، سیستم کنترل داخلی و نقدشوندگی سهام شرکت است (آملر و نیلی، ۲۰۰۷). منافع ناشی از بازار سرمایه، هزینه نمایندگی و هزینه تهیه و گزارش اطلاعات مالی، بر میزان اطلاعات ارائه شده در گزارش‌های مالی اثربخش، موثر است (برادبوری و دیگران، ۲۰۰۷). افشای سودمند عموماً زمانی ارائه می‌شوند که شرکت نیاز به تامین مالی دارد (میشل و دیگران، ۱۹۹۵ و ورچیا و وبر، ۲۰۰۶). هم‌چنین کیفیت گزارش‌های مالی شرکت‌ها ممکن است با میزان ناقربینگی اطلاعاتی رابطه داشته باشد (چانگ و دیگران، ۲۰۰۶).

مطابق با تئوری نمایندگی، ارزیابی کیفیت گزارشگری مالی شرکت به نظارت بر عملکرد و تصمیمات مدیران و ارزیابی میزان هم‌سویی آن‌ها با منافع سهامداران کمک می‌کند (دلر و دیگران، ۱۹۹۹). گزارشگری مالی اثربخش، امکان تحت تاثیر قرار دادن بازار و کاهش هزینه‌های حقوقی شرکت را ایجاد می‌کند (لو و دیگران، ۱۹۹۲). هم‌چنین گزارشگری مالی اثربخش موجب مطرح شدن و تحلیل بیشتر شرکت در بازار داخلی می‌شود و امکان ورود به بازار خارجی و جذب سرمایه‌گذاران بین‌المللی را فراهم می‌کند. شرکت‌های با نقدشوندگی پایین به منظور جذب سرمایه‌گذاران و افزایش نقدشوندگی سهام، افشای با کیفیتی ارائه می‌کنند (رودریگز، ۲۰۱۰). ارائه گزارش‌های با کیفیت منجر به افزایش صحت ارزش‌گذاری شرکت‌های کوچک و متوسط که در بازارهای بزرگ پذیرفته نشده‌اند یا کمتر مورد توجه هستند، می‌شود (اگرول و دیگران، ۲۰۰۸ و برنان و تامروسکی، ۲۰۰۰). بوشی و میلر (۲۰۰۷) نشان دادند که شرکت‌های با کیفیت گزارشگری بالا، بهتر ارزش‌گذاری می‌شوند.

ناقربینگی اطلاعاتی بین مدیران و مالکان، قیمت پیشنهادی سرمایه‌گذاران برای سهام را کاهش می‌دهد. هم‌چنین مدیران با دستکاری اقلام حسابداری مبنای قراردادهای، باعث بالا رفتن هزینه‌های نمایندگی و کاهش ارزش شرکت می‌شوند (لافوند و واتز، ۲۰۰۸). براین اساس انگیزه ارائه اطلاعات با کیفیت بالا به وجود می‌آید. افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری ارائه شده در صورت‌های مالی از طریق محافظه‌کاری و کاهش ناقربینگی اطلاعاتی میسر است (بال و شیواکومار، ۲۰۰۵). مدیران برای گزارش اخبار خوب، محافظه‌کارانه عمل می‌کنند (از قبیل

گزارش به موقع تر زیان‌ها نسبت به سودها). هم‌چنین قراردادهای بدهی مدیران را به محافظه‌کاری تشویق می‌کند (واتز و زیمرمن، ۱۹۷۸). بنابراین حسابداری محافظه‌کارانه نظارت بر رفتار مدیریت را همانند ساز و کارهای راهبری شرکتی کارا (مانند نظارت اعضای هیات مدیره، تحلیل گران مالی و سرمایه‌گذاران)، تسهیل می‌کند (گارسیا لارا و دیگران، ۲۰۰۷). جریان‌های اطلاعاتی که کمتر قابل تایید هستند، ممکن است به راحتی دستکاری شوند و در نتیجه سودمندی پایینی داشته باشند و باعث کاهش ثروت سهامداران و مدیران شوند. بنابراین افشای با کیفیت بالا نیاز به محافظه‌کاری مشروط (که مربوط به درجه تایید بالا برای شناسایی اخبار خوب در مقایسه با اخبار بد است) و محافظه‌کاری نامشروط محدود (که مستقل از اخبار و مربوط به تلاش‌های خوشبینانه مدیریت است) دارد (برادبری و دیگران، ۲۰۰۷).

به احتمال زیاد شرکت‌های دارای افشای حسابداری با کیفیت پایین به اعمال محافظه‌کاری نامشروط، به منظور پیشبرد اهداف مدیریتی خود دست می‌زنند؛ برای مثال در مواقع زیان‌دهی و کاهش شدید قیمت سهام، مدیران ممکن است تمایل به ثبت کمتر از واقع ارزش‌داری‌ها داشته باشند تا از روش حساب‌شویی اقدام به مدیریت سود کنند و در نتیجه سود دوره‌های آتی را بالا ببرند (جیراپرن و دیگران، ۲۰۰۸). هم‌چنین ممکن است از محافظه‌کاری نامشروط برای کاهش ریسک دعاوی حقوقی و دستیابی به بهترین شیوه تامین مالی استفاده شود (کوپنز و پیک، ۲۰۰۵). جایگزینی مدیریت، قرارداد پاداش مدیریت، آینده شرکت و قیمت سهام شرکت به شدت تحت تاثیر صورت‌های مالی ارائه شده و اطلاعات حسابداری مبنای قراردادهای است (لافوند و واتز، ۲۰۰۸)؛ از این رو شرکت‌ها مشوق‌های مهمی برای اعمال محافظه‌کاری و کاهش مدیریت سود دارند.

ریچاردسون (۱۹۹۸) در مطالعه خود به بررسی رابطه بین ناقزینگی اطلاعاتی و مدیریت سود پرداخت. نتایج حاصل نشانگر رابطه مثبت و معنادار بین ناقزینگی اطلاعاتی و مدیریت سود است. گراهام و دیگران (۲۰۰۵) نشان دادند که شرکت‌ها برای کاهش ناقزینگی اطلاعاتی و کاهش ریسک سهام، اقدام به افشای اطلاعات حسابداری سودمند می‌کنند. لانگ و لاندوم (۱۹۹۳) دریافتند که شرکت‌های با عملکرد مطلوب، تمایل زیادی به ارائه افشای با کیفیت دارند. رودریگز (۲۰۱۰) در مطالعه خود دریافت که محافظه‌کاری نامشروط در شرکت‌ها

بزرگ، دارای اهرم بالا، رشد پایین، ریسک دعاوی حقوقی بالا و شهرت پایین، بیشتر استفاده می‌شود. لافوند و واتز (۲۰۰۸) به بررسی رابطه ناقرینگی اطلاعاتی و محافظه‌کاری پرداختند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که ناقرینگی اطلاعاتی به طور مثبت با حسابداری محافظه‌کارانه مرتبط است و ناقرینگی اطلاعاتی محافظه‌کاری را تحت تاثیر قرار می‌دهد. چپی و وانگ (۲۰۱۰) به بررسی رابطه بین ناقرینگی اطلاعاتی و حسابداری محافظه‌کارانه پرداختند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که محافظه‌کاری ناقرینگی اطلاعاتی را کاهش می‌دهد. ایاتریدز، (۲۰۱۱) به بررسی رابطه بین کیفیت افشای حسابداری و محافظه‌کاری مشروط و نامشروط پرداخت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که شرکت‌های با کیفیت افشای بالاتر کمتر اقدام به مدیریت سود می‌کنند و محافظه‌کاری مشروط بالاتر و محافظه‌کاری نامشروط پایین‌تری دارند.

نوروش و حسینی (۱۳۸۸) رابطه بین کیفیت افشای شرکتی (شامل قابلیت اتکاء و به موقع بودن) و مدیریت سود را بررسی کردند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که بین کیفیت افشای شرکتی و مدیریت سود رابطه منفی و معناداری وجود دارد. ستایش و دیگران (۱۳۹۰) به بررسی رابطه بین کیفیت افشا و نقدشوندگی و هزینه سرمایه پرداختند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که بین اندازه شرکت و نقدشوندگی سهام آن رابطه معناداری وجود دارد؛ اما رابطه معناداری بین کیفیت افشا و نقدشوندگی جاری و آتی شرکت وجود ندارد. لطفی و حاجی‌پور (۱۳۸۹) به بررسی رابطه بین محافظه‌کاری و خطای مدیریت در پیش‌بینی سود پرداختند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که بین حسابداری محافظه‌کارانه و خطای مدیریت در پیش‌بینی سود رابطه منفی وجود دارد.

تدوین فرضیه‌ها

اقلام تعهدی اختیاری و کیفیت افشای بالا

افشای با کیفیت، اطلاعاتی در رابطه با رفتار مدیریت، تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های شرکت فراهم می‌کند و در نتیجه به استفاده‌کنندگان در پیش‌بینی عملکرد آتی شرکت و تصمیمات سرمایه‌گذاری کمک می‌کند. افشای با کیفیت باعث کاهش ناقرینگی اطلاعاتی می‌شود (گلوستن و میلگرام، ۱۹۸۵؛ چانگ و دیگران، ۲۰۰۶ و ولکر، ۱۹۹۵). در صورت کاهش ناقرینگی اطلاعاتی میان مدیران و سرمایه‌گذاران، امکان مدیریت سود کاهش می‌یابد (ترومن

و تیمن، ۱۹۸۸)؛ زیرا ناقرینگی اطلاعاتی باعث افزایش مدیریت سود می‌شود (ریچاردسون، ۱۹۹۸). بنابراین ارائه افشای با کیفیت بالا، به‌طور بالقوه تمایل به کاهش مدیریت سود را نشان می‌دهد.

فرضیه یک: شرکت‌های با کیفیت افشای بالاتر، اقلام تعهدی اختیاری پایین‌تری گزارش می‌کنند.

محافظه‌کاری و کیفیت گزارشگری

محافظه‌کاری یک اصل حسابداری مهم برای قرن‌ها بوده است (باسو، ۱۹۹۷ و واتز و زیمرمن، ۱۹۸۶). محافظه‌کاری به عنوان "تمایل حسابداران برای فراهم کردن درجه بالایی از قابلیت تایید برای شناسایی اخبار خوب به عنوان سود در مقایسه با شناسایی اخبار بد به عنوان زیان" تعریف شده است (باسو، ۱۹۹۷). نوشته‌های حسابداری دو نوع از محافظه‌کاری را شناسایی کردند، (۱) حسابداری محافظه‌کارانه مشروط و (۲) حسابداری محافظه‌کارانه نامشروط. حسابداری محافظه‌کارانه مشروط یعنی درجه بالای قابلیت تایید مورد نیاز برای شناسایی اخبار خوب (باسو، ۱۹۹۷) و محافظه‌کاری نامشروط یعنی شناسایی سریع زیان‌ها صرف نظر از خبر خوب یا بد اقتصادی است (کیانگ، ۲۰۰۷).

مدیران برای بهبود در میزان پاداش و ثروت خود و یا بهبود در جنبه‌های مالی شرکت، ممکن است اقدام به بیش‌نمایی دارایی‌ها و سودها و کم‌نمایی بدهی‌ها کنند. محافظه‌کاری به کم‌نمایی دارایی‌ها و سودها و خنثی‌سازی رفتار فرصت‌طلبانه مدیران تمایل دارد (واتز، ۲۰۰۳). محافظه‌کاری نامشروط با مالیات، دعاوی حقوقی و منفعت‌طلبی مدیران رابطه دارد (رودریگز، ۲۰۱۰)، که این موضوع ارزش اطلاعات گزارش شده را پایین می‌آورد (بال و دیگران، ۲۰۰۸). برای مثال محافظه‌کاری نامشروط ممکن است به روش استهلاک، یا روش ارزشگذاری سهام مربوط باشد که اهداف مدیریتی یا فرصت‌طلبانه‌ای را فراهم می‌کند. بنابراین ممکن است محافظه‌کاری نامشروط در گزارشگری مالی اخلاص ایجاد کند و باعث تصمیمات اقتصادی سوگیرانه و ناکارا شود (بال و شیواکومار، ۲۰۰۵). هم‌چنین محافظه‌کاری نامشروط به منظور دستیابی به شیوه بهتر تامین مالی، دستیابی به سود هدف، نهفتن انتقالات معکوس در اقلام مالی شرکت و تصمیمات بد اقتصادی به کار می‌رود (کوپنز و پیک، ۲۰۰۵).

و بورگستالر و دیگران، ۲۰۰۶). تنها محافظه کاری مشروط می‌تواند کارایی قراردادهای را بهبود دهد (باسو، ۲۰۰۵). شرکت‌های با هزینه قراردادهای بالا، استفاده از محافظه کاری مشروط را در گزارشگری مالی خود در پیش می‌گیرند (کیانگ، ۲۰۰۷). بنابراین محافظه کاری مشروط بر ارتباط ارزشی و سودمندی اطلاعات گزارش شده تمرکز دارد و مورد تقاضای سرمایه‌گذاران است؛ زیرا این نوع محافظه کاری دیدی روشن از نقاط قدرت و ضعف شرکت ارائه می‌دهد و به قضاوت صحیح و انتخاب سرمایه‌گذاری کارا کمک می‌کند (گای و ورچیا، ۲۰۰۷). محافظه کاری مشروط به خصوص در زمان‌هایی از قبیل صدور سهام و بدهی سرمایه‌ای، پذیرش در بورس، یا زمانی که هدف حمایت از سرمایه‌گذاران موجود است، مورد استفاده قرار می‌گیرد (بال و دیگران، ۲۰۰۰؛ بوشمن و پیوترسکی، ۲۰۰۶ و فرانسیس و وانگ، ۲۰۰۸). بنابراین محافظه کاری مشروط و نامشروط نمی‌توانند به عنوان جانشین یکدیگر باشند (باسو، ۲۰۰۵). در مقابل ممکن است آن‌ها رابطه معکوس با یکدیگر داشته باشند (کیانگ، ۲۰۰۷ و واندر، ۲۰۰۷).

فرضیه دو: شرکت‌های با کیفیت افشای بالا، محافظه کاری مشروط بالاتر و محافظه کاری نامشروط پایین‌تری در مقایسه با شرکت‌های با کیفیت افشای پایین اعمال می‌کنند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر روش‌شناسی اثبات‌گرایی، از نظر هدف پژوهشی کاربردی، از نظر نوع شبه‌آزمایشی و روش آن همبستگی است. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند برای طیف گسترده‌ای از جمله سرمایه‌گذاران، سهامداران، تحلیل‌گران مالی و پژوهش‌گران مفید باشد.

مدل‌های پژوهش

نئنی مدل مورد استفاده در این پژوهش برای بررسی رابطه بین کیفیت افشا و میزان اقلام تعهدی اختیاری، مبتنی بر مطالعه تندلو و وانسترال (۲۰۰۵) است.

مدل (۱):

$$DAC_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 AQ_{i,t} + \alpha_2 AQ_{i,t} \times OCF_{i,t} + \alpha_3 AQ_{i,t} \times LNA_{i,t} + \alpha_4 AQ_{i,t} \times ROA_{i,t} + \varepsilon$$

$DAC_{i,t}$: اقلام تعهدی اختیاری،

$AQ_{i,t}$: متغیری ساختگی است که کیفیت اطلاعات حسابداری گزارش شده را نشان می دهد. اگر کیفیت گزارشگری مالی بالاتر از میانگین باشد، برابر با یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می شود.

$OCF_{i,t}$: جریان نقد حاصل از عملیات،

$LNA_{i,t}$: لگاریتم طبیعی کل دارایی ها و

$ROA_{i,t}$: نرخ بازده کل دارایی ها (سود خالص تقسیم بر کل دارایی ها) است.

مدل مورد استفاده برای بررسی رابطه بین کیفیت افشا و محافظه کاری، مبتنی بر مدل رودریگز (۲۰۱۰) و ایاتریدز (۲۰۱۱) است.

مدل (۲):

$$DAC_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 CFD_{i,t} + \alpha_2 OCF_{i,t} + \alpha_3 CFD_{i,t} \times OCF_{i,t} + \alpha_4 AQ_{i,t} + \alpha_5 AQ_{i,t} \times CFD_{i,t} + \alpha_6 AQ_{i,t} \times OCF_{i,t} + \alpha_7 AQ_{i,t} \times OCF_{i,t} \times CFD_{i,t} + e_{i,t}$$

$DAC_{i,t}$: اقلام تعهدی اختیاری (قدرمطلق)،

$CFD_{i,t}$: متغیری ساختگی که نشان دهنده علامت جریان نقد است. اگر علامت جریان نقد منفی باشد، برابر یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می شود،

$OCF_{i,t}$: جریان نقد حاصل از عملیات که با استفاده از کل دارایی ها هم مقیاس شده است،

ارتباط بین کیفیت گزارشگری مالی و محافظه کاری مشروط از طریق α_7 نشان داده می شود. مثبت بودن این ضریب به این معنا است که شرکت های با کیفیت افشای بالا، محافظه کاری بیشتری در مقایسه با شرکت های با کیفیت افشای پایین اعمال می کنند.

برای به دست آوردن ارتباط بین کیفیت گزارشگری مالی و محافظه کاری نامشروط از متغیر UC استفاده شد. متغیر UC با استفاده از مدل (۳) اندازه‌گیری می‌شود (مطابق با پژوهش رودریگز، ۲۰۱۰).

مدل (۳)

$$UC(AQ = 1) = \alpha_4 + \alpha_5 \times NOCF(AQ = 1)$$

α_4 و α_5 از برازش مدل (۲) به دست می‌آیند.

$NOCF(AQ = 1)$ برابر نسبتی از شرکت‌ها است که اطلاعات حسابداری با کیفیتی افشا و جریان نقد منفی گزارش کرده‌اند.

رودریگز (۲۰۱۰) نشان داد که محافظه کاری نامشروط مستقل از اخبار است، پس تنها محافظه کاری مشروط اطلاعات جدیدی فراهم می‌کند. $UC(AQ = 1)$ برای اندازه‌گیری ارقام تعهدی که مستقل از اخبار خوب یا بد هستند، استفاده می‌شود (واندر، ۲۰۰۷). این متغیر رابطه معکوسی با محافظه کاری نامشروط دارد.

اندازه‌گیری کیفیت افشای مالی

برای سنجش کیفیت افشا از امتیاز داده شده به هر شرکت توسط سازمان بورس و اوراق بهادار تهران استفاده شد. معیار به‌موقع بودن بر اساس زمان ارسال اطلاعات توسط شرکت در مقاطع تعیین شده در دستورالعمل افشای اطلاعات و با لحاظ نمودن میزان تاخیر در ارسال اطلاعات، محاسبه می‌شود. میزان نوسانات و تغییرات در پیش‌بینی‌های ارسالی و هم‌چنین تفاوت‌های میان مبالغ پیش‌بینی شده و عملکرد واقعی حسابرسی شده، معیار قابلیت اتکا است. در پژوهش حاضر این متغیر در قالب متغیر ساختگی (به صورت ۰ و ۱) به کار رفته است؛ در نتیجه برای تبدیل امتیاز کلی کیفیت افشا به متغیر مورد استفاده این گونه عمل می‌شود که اگر امتیاز کلی سال-شرکت مورد نظر از میانگین امتیاز همه شرکت‌ها برای آن سال بالاتر باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر منظور می‌شود.

محاسبه ارقام تعهدی اختیاری

ارقام تعهدی اختیاری معادل تفاوت بین مجموع ارقام تعهدی و ارقام تعهدی غیراختیاری است. به منظور برآورد ارقام تعهدی غیراختیاری، ابتدا مدل عرضی مقطعی جونز برآزش می‌شود. این مطالعه از باقیمانده مدل رگرسیونی (۴) به عنوان اندازه ارقام تعهدی اختیاری ($DA_{i,t}$) استفاده می‌کند (مطابق با پژوهش‌های قبلی مانند بارتو و دیگران، ۲۰۰۱؛ کوثری و دیگران، ۲۰۰۴ و گومز و دیگران، ۲۰۰۶).

مدل (۴):

$$AC_{i,t} = \alpha_0 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_1 \Delta REV_{i,t} + \alpha_2 PPE_{i,t} + e_{i,t}$$

$AC_{i,t}$: مجموع ارقام تعهدی در سال t که با جمع دارایی‌های سال $t-1$ هم مقیاس شده‌اند. در این پژوهش برای محاسبه مجموع ارقام تعهدی از روش جریان وجوه نقد استفاده می‌شود. در روش جریان وجوه نقد، مجموع ارقام تعهدی (AC) به ترتیب زیر محاسبه می‌شود:

مدل (۵):

$$AC_{i,t} = EARN_{i,t} - OCF_{i,t}$$

$EARN_{i,t}$: سود قبل از ارقام غیرمترقبه و عملیات غیر مستمر،

$OCF_{i,t}$: جریان‌های نقدی عملیاتی که براساس معادله زیر به دست می‌آید:

$OCF_{i,t}$ = جریان نقد عملیاتی بر اساس صورت جریان نقد + سود سهام پرداخت شده + بازده سرمایه‌گذاری و سود پرداختی بابت تامین مالی + جریان نقد مربوط به مالیات.

$A_{i,t-1}$: کل دارایی‌ها در سال $t-1$

$\Delta REV_{i,t}$: تغییر در درآمد سال t که با استفاده از جمع دارایی‌های سال $t-1$ هم مقیاس شده است.

$PPE_{i,t}$: اموال ماشین آلات و تجهیزات سال t که با استفاده از جمع دارایی‌های سال $t-1$ هم مقیاس شده است.

$e_{i,t}$: جزء خطای مدل است.

جامعه و نمونه آماری

دوره مورد بررسی در این پژوهش ۶ سال از شامل سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ است. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار است که شرکت‌های واسطه‌گری مالی به دلیل متفاوت بودن ماهیت فعالیت‌شان حذف شده‌اند. نمونه مورد بررسی در این پژوهش شرکت‌هایی است که مجموعه شرایط زیر را دارا باشند:

شرکت قبل از سال ۸۳ در بورس پذیرفته شده باشد.

سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفند ماه باشد، در طی دوره مورد مطالعه توقف فعالیت نداشته باشند و سال مالی خود را تغییر نداده باشد.

حداقل ۷۰ روز معاملاتی در طی سال داشته باشد.

با توجه به شرایط بالا تعداد ۱۰۲ شرکت (۶۱۲ سال-شرکت) به روش حذف سیستماتیک برای انجام پژوهش انتخاب شد. داده‌های مورد نیاز با استفاده از نرم افزار تدبیرپرداز، نرم افزار ره‌آورد نوین، سایت سازمان بورس و صورت‌های مالی شرکت‌ها برای دوره زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ استخراج شد.

یافته‌های پژوهش

برای تجزیه و تحلیل داده‌های سری زمانی مورد بررسی از روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده شد. داده‌های جمع آوری شده به عنوان ورودی نرم افزار SPSS نگارش ۱۶ مورد استفاده قرار گرفت و در رابطه با فرضیه‌های پژوهش آزمون‌های آماری مربوط انجام شد.

آماره‌های توصیفی

آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش در نگاره (۱) ارائه شده است.

نگاره (۱): آماره‌های توصیفی

بیشینه	کمینه	خطای استاندارد	میانگین	آماره متغیر
۹۹	-۱۶	۲۴/۶۰۸	۵۲/۰۵	رتبه کیفیت افشا
۰/۷۱	۰/۰۰	۰/۰۹۸	۰/۱۰۸	قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری (DAC)
۰/۶۵	-۰/۳۵	۰/۱۴۲	۰/۱۳۲	جریان نقد عملیاتی (تقسیم شده بر کل دارایی‌ها)
۳/۵۸	-۰/۴۸	۲/۰۰	۰/۴۴۳	سود خالص (تقسیم شده بر کل دارایی‌ها)
۱۷/۷۹	۱۰/۷۲	۱/۳۸	۱۳/۲۸۵	دارایی‌ها (لگاریتم طبیعی)
۷۷۰۰۰۰۰	-۱۱۰۰۰۰۰	۷۵۲۷۴۶	۲۲۱۴۹۰	سود خالص

آزمون فرضیه یک

برای بررسی رابطه بین کیفیت افشا و میزان اقلام تعهدی اختیاری از مدل (۱) استفاده شد. نتایج حاصل از برازش این مدل در نگاره (۲) نشان داده شده است. با توجه به آماره F (برابر ۱۷/۲۳۷) می‌توان نتیجه گرفت مدل در سطح خطای ۱ درصد معنادار است و آماره دوربین-واتسون (برابر ۱/۵۱۸) از نبود خودهمبستگی اطمینان می‌دهد. ضریب تعیین مدل برابر با ۱۰ درصد است که نشان می‌دهد، حدود ۱۰ درصد از تغییر در متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. با توجه به آماره t و سطح معناداری نتیجه گیری می‌شود که همه متغیرها غیر از AQ^*ROA در سطح خطای ۵ درصد معنادارند. ضریب متغیر کیفیت افشا برابر با $-۰/۷۳۴$ است که در سطح خطای کمتر از ۱ درصد معنادار می‌باشد. علامت منفی ضریب متغیر کیفیت افشا، بیانگر وجود رابطه منفی بین کیفیت افشا و میزان اقلام تعهدی اختیاری است؛ یعنی با افزایش کیفیت افشا میزان اقلام تعهدی اختیاری کاهش می‌یابد. این نتیجه مشابه با یافته مقاله نوروش و حسینی (۱۳۸۸) است، هرچند در این پژوهش از مدل رگرسیونی متفاوت و داده‌های مربوط به دوره‌ای متفاوت استفاده شد.

نگاره (۲): نتایج حاصل از برازش مدل (۱)

سطح معناداری	آماره t	ضریب	مدل ۱
۰/۰۰۰	۲۱/۸۵۸	۱/۵۳۲	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	-۶/۰۳۱	-۰/۷۳۴	AQ
۰/۰۰۰	-۴/۸۸۴	-۰/۶۵۴	AQ*OCF
۰/۰۰۰	-۳/۶۶۹	-۰/۷۲۳	AQ*LN
۰/۳۲۵	۰/۹۸۴	۰/۸۷۰	AQ*ROA
اعتبار مدل		قدرت مدل	
۱/۵۱۸=آماره دوربین واتسون		R=۰/۳۱۹	
ANOVA (F) ۱۷/۲۳۷=آماره		R ² =۰/۱۰۲	
۰/۰۰۰=معناداری مدل		R ² =۰/۰۹۶ تعدیل شده	

آزمون فرضیه دو

برای بررسی رابطه بین کیفیت افشا و محافظه کاری مشروط از مدل رگرسیونی (۲) استفاده شد. نتایج حاصل از برازش مدل مذکور در نگاره (۳) نشان داده شده است. با توجه به آماره F (برابر ۱۶/۱۳۳) می‌توان نتیجه گرفت که مدل در سطح خطای ۵ درصد معنادار است و آماره دوربین-واتسون (برابر ۱/۵۷۳) از نبود خودهمبستگی اطمینان می‌دهد. ضریب تعیین مدل حدود ۱۵ درصد است که بیان می‌کند حدود ۱۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل تبیین می‌شود. با توجه به آماره t و سطح معناداری می‌توان بیان کرد که مقدار ثابت مدل و متغیرهای مدل شامل OCF، OCF*OCF و CFD*OCF و AQ*OCF*CFD در سطح خطای ۵ درصد معنادارند. ضریب متغیر AQ*OCF*CFD نشان دهنده رابطه بین محافظه کاری مشروط و کیفیت افشا است. همان‌طور که مشاهده می‌شود این ضریب مثبت (۰/۴۵۱) و دارای آماره t برابر با ۲/۴۵۷ است که در سطح خطای کمتر از ۵ درصد معنادار است. به این ترتیب نتیجه‌گیری می‌شود که بین کیفیت افشا و محافظه کاری مشروط در سطح خطای کمتر از ۵ درصد رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

تکانه ۳: نتایج حاصل از برازش مدل (۲)

سطح معناداری	آماره t	ضریب	مدل ۲
۰/۰۰۰	۱۵/۵۲۷	۰/۴۶۲	مقدار ثابت
۰/۸۴۶	-۰/۱۹۴	-۰/۲۳۱	CFD
۰/۰۰۴	۲/۹۱	۰/۵۶۷	OCF
۰/۰۰۲	-۳/۱۲۸	-۰/۲۶۵	CFD*OCF
۰/۶۲۰	۰/۴۹۶	۰/۱۴۱	AQ
۰/۸۰۷	-۰/۲۴۴	-۰/۱۵۴	AQ*CFD
۰/۸۶۶	-۰/۱۶۹	-۰/۲۰۱	AQ*OCF
۰/۰۱۴	۲/۴۵۷	۰/۴۵۱	AQ*OCF*CFD
مفروضات مدل		قدرت مدل	
آماره = ۱/۵۷۳ دوره بین واتسون		R = ۰/۴۰	
ANOVA (F) آماره = ۱۶/۱۳۳		R ² = ۰/۱۶	
معناداری مدل = ۰/۰۰۰		R ² اصلاح شده = ۰/۱۵	

در ادامه جهت بررسی رابطه بین محافظه کاری نامشروط و کیفیت افشا از مقادیر بتای مربوط به دو متغیر AQ (β₄) و AQ*CFD (β₅) استفاده می شود. مقدار $UC(AQ = 1)$ مطابق با مدل (۳) برابر با ۰/۱۳۴ به دست می آید. ارزش مثبت این متغیر نشان می دهد که شرکت های با کیفیت افشای بالا، محافظه کاری نامشروط پایینی اعمال می کنند. در نتیجه با توجه به مثبت بودن مقدار $UC(AQ = 1)$ می توان نتیجه گرفت که در جامعه مورد بررسی بین کیفیت افشا و محافظه کاری نامشروط رابطه معکوس وجود دارد و با افزایش کیفیت افشا در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران میزان محافظه کاری نامشروط پایین می آید.

نتیجه گیری

کیفیت افشا و ارائه گزارش های مالی مربوط و قابل اتکا، از جمله موضوعات مهم در حوزه مالی و حسابداری است. شرکت ها می توانند از طریق ارائه گزارش های مالی با کیفیت به ارزش بهتری دست یابند و مورد توجه تحلیل گران و سرمایه گذاران قرار گیرند. گزارش های مالی با کیفیت به ارزیابی عملکرد مدیران و تصمیمات سرمایه گذاری صحیح کمک می کند. کیفیت اطلاعات حسابداری می تواند از طریق اعمال محافظه کاری و کاهش مدیریت سود

افزایش یابد. در این پژوهش فرض شد که رعایت الزامات افشا منجر به کاهش مدیریت سود می‌شود و شرکت‌های با کیفیت افشای بالا اقدام به اعمال محافظه‌کاری مشروط بالایی می‌کنند. برای اندازه‌گیری کیفیت افشا، از رتبه کلی داده شده به شرکت‌ها توسط سازمان بورس و اوراق بهادار و برای اندازه‌گیری مدیریت سود، از ارقام تعهدی اختیاری استفاده شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که با افزایش کیفیت افشا، میزان مدیریت سود (ارقام تعهدی اختیاری) کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر شرکت‌هایی که الزامات افشای اطلاعات را رعایت می‌کنند، کمتر اقدام به مدیریت سود می‌نمایند. این یافته مشابه با یافته‌های پژوهش‌های قبلی از قبیل ترومن و تیمن (۱۹۸۸)، ریچاردسون (۱۹۹۸)، شاو (۲۰۰۳)، تندلو و وانسترالن (۲۰۰۵)، نوروش و حسینی (۱۳۸۸) و ایاتریدز (۲۰۱۱) است. با آزمون فرضیه دوم پژوهش این نتیجه به دست آمد که با افزایش کیفیت افشا میزان اعمال محافظه‌کاری مشروط و نامشروط به ترتیب افزایش و کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر شرکت‌هایی که الزامات افشای اطلاعات را رعایت می‌کنند، سعی در کاهش ناقربینگی اطلاعات و ارائه اطلاعات محافظه‌کارانه دارند. این نتیجه مشابه با یافته‌های قبلی از قبیل کیانگ (۲۰۰۷)، گای و ورچیا (۲۰۰۷)، چی و وانگ (۲۰۱۰)، ایاتریدز (۲۰۱۱) و رودریگز (۲۰۱۰) است. هم‌چنین نتایج پژوهش نشان داد که بین محافظه‌کاری مشروط و نامشروط رابطه معکوس وجود دارد و شرکت‌های با کیفیت گزارشگری بالا کمتر اقدام به اعمال محافظه‌کاری نامشروط می‌کنند که این نتیجه نیز مشابه با یافته‌های قبلی از قبیل کیانگ (۲۰۰۷)، واندر (۲۰۰۷)، رودریگز (۲۰۱۰) و ایاتریدز (۲۰۱۱) است.

مدیریت سود پایین و اعمال محافظه‌کاری مشروط از جمله ویژگی‌های اطلاعات حسابداری با کیفیت است؛ با توجه به رابطه بین این ویژگی‌ها و رتبه کیفیت افشای اطلاعات، لازم است سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران به رتبه کیفیت افشا به عنوان معیاری برای سنجش کیفیت اطلاعات (میزان مدیریت سود و اعمال محافظه‌کاری مشروط) توجه کنند و بر این اساس تصمیمات سرمایه‌گذاری خود را اتخاذ کنند. زیرا شرکت‌های با رتبه کیفیت افشای بالاتر، مدیریت سود کمتری اعمال می‌کنند و محافظه‌کاری مشروط آن‌ها بالاتر است، در نتیجه ریسک اطلاعاتی آن‌ها پایین‌تر و ناقربینگی اطلاعاتی در مورد آن‌ها کمتر است. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود سازمان‌ها و نهادهای فعال در بازار سرمایه رتبه‌بندی‌های جامع‌تری از کیفیت

افشای اطلاعات ارائه دهند تا به سرمایه‌گذاران در گزینش گزینه‌های سرمایه‌گذاری کمک بیشتری شود.

در این پژوهش از امتیاز کلی کیفیت افشای سال-شرکت‌ها استفاده شد؛ پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از امتیازهای به‌موقع بودن و قابل اتکا بودن به صورت جداگانه استفاده و رابطه آن‌ها با مدیریت سود و محافظه‌کاری بررسی شود. هم‌چنین سایر جنبه‌ها و سنجه‌های کیفیت افشا، افزون بر امتیاز سازمان بورس، مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- ستایش، محمدحسین، مصطفی کاظم نژاد و مهدی ذوالفقاری. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر کیفیت افشا بر نقدشوندگی سهام و هزینه سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*. شماره پیاپی ۹، صص ۷۴-۵۵.
- نوروش، ایرج و سید علی حسینی. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین کیفیت افشا و مدیریت سود. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*. شماره ۵۵، صص ۱۱۷-۱۳۴.
- لطفی، احمد و میثم حاجی‌پور. (۱۳۸۹). تأثیر محافظه‌کاری بر خطای مدیریت در پیش‌بینی سود. *حسابداری مدیریت*. شماره ۴، صص ۱۷-۳۳.
- Agarwal, V. , Liao, A. , Nash, E. , & Taffler, R. (2008). " The impact of effective investor relations on market value". Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1102644>.
- Ambler, T. , & Neely, A. (2007). "Narrative reporting in company annual accounts". Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1030724>
- Ball, R. , & Shivakumar, L. (2005). "Earnings quality in UK private firms: Comparative loss recognition timeliness". *Journal of Accounting and Economics*, 39(1), 83-128.
- Ball, R. , Kothari, S. , & Robin, A. (2000). "The effect of international institutional factors on properties of accounting earnings". *Journal of Accounting and Economics*, 29(1), 1-51.
- Ball, R. , Robin, A. , & Sadka, G. (2008). "Is financial reporting shaped by equity markets or by debt markets? An international study of timeliness and conservatism". *Review of Accounting Studies*, 13(2/3), 168-205.
- Bartov, E. , Gul, F. , & Tsui, J. (2001). "Discretionary accruals models and audit qualifications". *Journal of Accounting and Economics*, 30, 421-452.

- Basu, S. (1997). "The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings". *Journal of Accounting and Economics*, 24, 3-37.
- Basu, S. (2005). "Discussion of 'Conditional and unconditional conservatism: Concepts and modeling'". *Review of Accounting Studies*, 10(2/3), 311-321.
- Bradbury, M. , Dean, G. , & Clarke, F. (2007). "Incentives for non-disclosure by corporate groups". Working Paper Available at:<http://ssrn.com/abstract=1088113>
- Brennan, M. , & Tamarowski, C. (2000). "Investor relations, liquidity and stock prices". *The Bank of America Journal of Applied Corporate Finance*, 12(4), 26.
- Burgstahler, D. , Hail, L. , & Leuz, C. (2006). "The importance of reporting incentives: Earnings management in European private and public firms". *The Accounting Review*, 81(5), 983-1016.
- Bushee, B. , & Miller, G. (2007). "Investor relations, firm visibility, and investor following". Working Paper Available at: <http://ssrn.com/abstract=643223>
- Bushman, R. , & Piotroski, J. (2006). "Financial reporting incentives for conservative accounting: The influence of legal and political institutions". *Journal of Accounting and Economics*, 42(1/2), 107-148.
- Cano-Rodríguez, M. (2010). "Big auditors, private firms and accounting conservatism: Spanish evidence". *European Accounting Review*, 19(1), 131-159.
- Chang, M. , D'Anna, G. , Watson, I. , & Wee, M. (2006). "Do investor relations affect information asymmetry? Evidence from Australia". Available at SSRN:<http://ssrn.com/abstract=947191>.
- Chi, W and Wang, C. (2010). Accounting conservatism in a setting of Information Asymmetry between majority and minority shareholders, *The International Journal of Accounting* 45. 465-489.
- Conover, M. , Miller, R. , & Szakmary, A. (2008). "The timeliness of accounting disclosures in international security markets". *International Review of Financial Analysis*, 17(5), 849-869.
- Coppens, L. , & Peek, E. (2005). "An analysis of earnings management by european private firms". *Journal of International Accounting Auditing and Taxation*, 14(1), 1-17.
- Deller, D. , Stubenrath, M. , & Weber, C. (1999). "A survey on the use of the internet for investor relations in the USA, the UK and Germany". *The European Accounting Review*, 8(2), 351-364.
- Francis, J. , & Wang, D. (2008). "The joint effect of investor protection and Big 4 audits on earnings quality around the world". *Contemporary Accounting Research*, 25(1), 157-191

- Garcia Lara, J. , Garcia Osma, B. , & Penalva, F. (2007). "Board of Directors' characteristics and conditional accounting conservatism: Spanish evidence". *European Accounting Review*, 16(4), 727-755.
- Garza-Gomez, X. , Lee, Y. , & Du, J. (2006). "Discretionary accruals models and earnings restatements: An empirical evaluation". Working paper, University of Houston-Victoria
- Glosten L, Milgram P. (1985). "Bid, ask, and transaction prices in a specialist market with heterogeneously informed traders". *Journal of Financial Economics*; 14:71-100.
- Graham, J. , Harvey, C. , & Rajgopal, S. (2005). "The economic implications of corporate financial reporting". *Journal of Accounting and Economics*, 40, 3-73.
- Guay, W. , & Verrecchia, R. (2007). "Conservative disclosure". Working Paper, University of Pennsylvania.
- Iatridis ,George Emmanuel. (2011). Accounting disclosures, accounting quality and conditional and unconditional conservatism. *International Review of Financial Analysis*. 20, pp:88-102
- Jiraporn, P. , Miller, G. , Yoon, S. , & Kim, Y. (2008). "Is earnings management opportunistic or beneficial? An agency theory perspective". *International Review of Financial Analysis*, 17(3), 622-634.
- Kothari, S. , Leone, A. , & Wasley, C. (2004). "Performance matched discretionary accrual measures". *Journal of Accounting & Economics*, 39, 163-197.
- LaFond, W. , & Watts, R. (2008). "The information role of conservatism". *The Accounting Review*, 83(2), 447-478.
- Lang, M. , & Lundholm, R. (1993). "Corporate disclosure policy and analyst behavior". *The Accounting Review*, 71(4), 467-492.
- Lev, B. (1992). "Information disclosure strategy". *Californian Management Review*, 9-32.
- Marston, C. (1996). "The organization of the investor relations function by large UK quoted companies". *Omega*, 24(4), 477.
- Mitchell, J. , Chia, C. , & Loh, A. (1995). "Voluntary disclosure of segment information: Further Australian evidence". *Accounting and Finance*, 35(2), 1-16.
- Qiang, X. (2007). "The effects of contracting, litigation, regulation, and Tax costs on conditional and unconditional conservatism: Cross-sectional evidence at the firm level". *The Accounting Review*, 82(3), 759-796.
- Richardson V. (1998). "Information Asymmetry and Earnings Management: Some Evidence", Working paper, University of Kansas.

- Ryan, GR, (2006). "Identifying Conditional Conservatism". *European Accounting Review*, Vol 15, PP 511-525.
- Shaw K. W. (2003). "Corporate Disclosure Quality, Earnings Smoothing, and Earning Timeliness". *Journal of Business Research*; 56:1043-1050.
- Tendeloo, B. , & Vanstraelen, A. (2005). "Earnings management under German GAAP versus IFRS". *European Accounting Review*, 14(1), 155–180.
- Trueman B, Titman S. (1988). "An explanation for accounting income smoothing", *Journal of Accounting Research*; 26:127-139.
- Vander Bauwhede, H. (2007). "The impact of conservatism on the cost of debt: Conditional versus unconditional conservatism". Working paper, Katholieke Universiteit, Leuven.
- Verrecchia, R. , & Weber, J. (2006). "Redacted disclosure". *Journal of Accounting Research*, 44(4), 791–814.
- Watts R, Zimmerman J. L. (1978). "Towards a positive theory of the determination of accounting standards". *The Accounting Review*; 53: 112-134.
- Watts, R. (2003). "Conservatism in accounting, part I: Explanations and implications". *Accounting Horizons*, 17, 207–221.
- Welker M. (1995). "Disclosure policy, information asymmetry, and liquidity in equity markets". *Contemporary Accounting Research*; spring: 801- 827.